

مدل ساختاری کارکردهای اجرایی و روابط فرازناشویی با بررسی نقش میانجی خودکنترلی

راضیه خرم آبادی: دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، و عضو هیات علمی گروه روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.
*زهرا سپهری شاملو: (نویسنده مسئول)، دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. z.s.shamloo@um.ac.ir
جواد صالحی فدردی: استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
ایمان الله بیگدلی: استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴

پذیرش اولیه: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳

چکیده

هدف مطالعه حاضر ارائه مدل ساختاری گرایش به روابط فرازناشویی با کارکردهای اجرایی با میانجیگری خودکنترلی می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی- معادلات ساختاری بوده است. تعداد ۲۱۰ نفر نمونه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در شرایط آزمایشگاهی، ابتدا برای سنجش کارکردهای اجرایی ۴ آزمون کامپیوتری ویسکانسین، برو نرو، چند محرک پیشین (ان بک) و استروپ را انجام داده و سپس پرسشنامه‌های خودکنترلی تانجی و گرایش به روابط فرازناشویی واتلی را پر کردند. تحلیل مدل با روش معادلات ساختاری از نوع رگرسیونی نشان داد که مدل دارای برازش مناسبی می‌باشد و به طور کلی کارکردهای اجرایی و خودکنترلی ۰/۱۲ از واریانس گرایش به روابط فرازناشویی را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهند. همچنین کارکردهای اجرایی شامل بازداری (۰/۱۳-)، انعطاف‌پذیری (۰/۱۳-) و حافظه فعال (۰/۱۶-) و خودکنترلی (۰/۱۰-) اثر مستقیمی بر روابط فرازناشویی دارند. همچنین کارکردهای اجرایی بازداری (۰/۲۳-)، انعطاف‌پذیری (۰/۱۱-) و حافظه فعال (۰/۲۷-) با میانجیگری نقش خودکنترلی دارای اثر غیرمستقیمی بر روابط فرازناشویی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: روابط فرازناشویی، خیانت، کارکردهای اجرایی، کنترل اجرایی، کنترل شناختی، خودکنترلی.

Journal of Cognitive Psychology, Vol. 6, No. 1, Spring 2018

Structural Model of Executive Function and Extramarital Relationship with Mediating Role of Self-Control

Khorramabadi, R. PhD Student, Ferdowsi University, Mashhad, & Faculty Member, Persian Gulf University, Boushehr, Iran.

Sepehri, Z. (Corresponding author) Associate Professor, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. z.s.shamloo@um.ac.ir

Salehi Fardadi, J. Professor, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Bigdeli, I. Professor, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Abstract

The purpose of this study is presentation the structural model of executive functions and extramarital relationship with mediating role of self-control. The 210 samples were selected by convenience sampling. In experimental situation, for assessing executive function participants did computerized exams include: Stroop, Wisconsin, Go No Go and N- Back and completed self-control questionnaire of Tangney and attitudes toward infidelity scale of Whatley. Data was analyzed through regression, structural equation modeling. Model has a suitable fit. Results shows that executive functions includes inhibition (-0.13), task switching (-0.13), working memory (-0.16) and self-control (-0.10) had direct effect on extra marital relationship. Executive functions includes inhibition (-0.23), task switching (-0.11), working memory (-0.27) had indirect effect on extra marital relationship with mediation of self-control.

Keywords: Extra marital relationship, Infidelity, Executive functions, Executive control, Cognitive control, Self-control.

مقدمه

روابط خوب و باثبات تأثیرات مثبت گسترده‌ای بر استرس، تنظیم هیجانی، سلامت جسمی و روانی و امید به زندگی دارد (باومیستر و لیری^۱، ۱۹۹۵؛ ریس، کالینز و برسچید^۲، ۲۰۰۰؛ به نقل از هامبورگ و پرانک^۳، ۲۰۱۵). به رغم مزایای بسیاری که تک همسری و روابط متعهدانه در زندگی زناشویی دارد، پژوهش‌های روانشناختی نشان داده‌اند که حفظ روابط زناشویی برای طولانی مدت کار آسانی نیست و حتی افرادی که روابط صمیمانه‌ای با همسرشان دارند، بازدارنده‌ای توجه به دیگران جذاب را دشوار می‌یابند (مانر^۴ و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۲۰۰۹ به نقل از یودا^۵ و همکاران، ۲۰۱۸) و روابط ماندگار و حفاظت شده زناشویی، به خصوص به هنگام سختی‌ها و تهدیدهای ارتباطی، کار آسانی نیست.

از بین عوامل مختلفی که ازدواج را تهدید می‌کنند، روابط فرازناشویی به طور فزاینده‌ای مورد توجه محققان قرار گرفته است. روابط فرازناشویی مهمترین عامل جدایی در ۱۶۰ فرهنگ مختلف شناسایی شده است (بتزیگ^۶، ۱۹۸۹ به نقل از پرانک و همکاران، ۲۰۱۱). هرچند اکثریت افراد (۹۰٪) رابطه خارج از ازدواج را ناپسند و غیراخلاقی می‌دانند (گالوپ، ۲۰۰۷ به نقل از نگاش^۷ و همکاران، ۲۰۱۶) رابطه فرازناشویی یک رخداد شایع در ازدواج هاست (مارین، کریستنسن و اتکینز^۸، ۲۰۱۴) و شیوع روابط فرازناشویی در ایالات متحده امریکا برای زنان بین ۲۶٪ تا ۷۰٪ و بین ۳۳٪ تا ۷۵٪ برای مردان گزارش شده است (ایوس و ربرتسون - اسمیت^۹، ۲۰۰۷). در کشور ما هم به رغم این که آمار دقیقی از روابط فرازناشویی وجود ندارد، مراجعه روزافزون این دسته از مراجعان به مراکز مشاوره و نیز گزارش‌های دادگستری در باب رابطه فرازناشویی به عنوان یکی از دلایل طلاق گویای رشد این پدیده در کشورمان می‌باشد.

تعریف روابط فرازناشویی گسترده است به نحوی که طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود. برای برخی بی‌وفایی زناشویی داشتن روابط جنسی خارج از ازدواج است، بقیه شامل رفتارهایی مثل سکس سایبری، تماشای پورنوگرافی، درجات

مختلف صمیمیت جسمی و غیرجنسی و حتی صمیمیت عاطفی با فرد دیگر که منجر به آسیب به رابطه اولیه می‌شود، است (هرتلین، وچلر و پیرسی^{۱۰}، ۲۰۰۵؛ فریکر و مور^{۱۱}، ۲۰۰۶، جینفریو، جوریچ و مانگ^{۱۲}، ۲۰۱۴). پژوهشگران اسامی و تعاریف مختلفی برای این پدیده در نظر گرفته‌اند، اما جنبه مشترک همه آن‌ها، پنهانی بودن آن است؛ بنابراین رابطه فرازناشویی هر فعالیت رمانتیک یا جنسی مخفیانه گویند که در حالیکه فرد در یک رابطه کاملاً خصوصی مثل ازدواج قرار دارد، اتفاق می‌افتد (فیشرمن و می^{۱۳}، ۲۰۱۷).

روابط فرازناشویی پیامدهای جسمی، روانشناختی و اجتماعی گسترده‌ای دارد. یکی از مهمترین پیامدهای روابط زناشویی از دست دادن عشق و احترام همسر و شکستن رابطه است. رابطه فرازناشویی موجب ضربه شدید احساسی به طرفین می‌شود. این نوع ارتباط باعث اضطراب، بروز نشانه‌هایی شبیه به اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) (کانو و اولیری^{۱۴}، ۲۰۰۰ نقل از فیشرمن و می، ۲۰۱۷) و همچنین احساساتی مانند افسردگی، خشم، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس، از دست دادن هویت و احساس بی‌ارزشی در همسر زخم خورده و نیز باعث بروز احساس تردید، افسردگی، عذاب وجدان، افزایش پریشانی روانشناختی و حتی گاه خودکشی در همسر عهدشکن می‌شود (بونک، ۱۹۹۵؛ هال و فینچام^{۱۵}، ۲۰۰۵). روابط فرازناشویی فقط منحصر به ازدواج‌های ناشاد نیست بلکه در ازدواج‌هایی که دو نفر با یکدیگر شاد بوده و از نظر جنسی نیز رضایت داشته‌اند هم امکان بروز دارد (پرانک و همکاران، ۲۰۱۱).

پژوهش‌های مختلف بر روی عوامل موثر در روابط فرازناشویی عوامل مختلفی را بیان کرده‌اند، از جمله این عوامل شامل ماهیت ارتباط به عنوان مثال نارضایتی (اتکینز، باوکام، جاکوبسن^{۱۶}، ۲۰۰۱)، بافت ارتباط، مانند فرصت (تریاس و جیسن، ۲۰۰۰) و عواملی که به فرد مربوط می‌شوند، شامل باورها در مورد عشق و رابطه جنسی (فریکر، ۲۰۰۶؛ وایدرومن و هیورد، ۱۹۹۹) و نیز ویژگی‌های شخصیتی مانند خودشیفتگی، دلبستگی ناایمن (دانیل و همکاران، ۲۰۱۳) و... را می‌توان نام برد. به تازگی پژوهش‌ها سمت و

10. Hertlein, Wetchler & Piercy
11. Friker & Moore
12. Jeanfreau, Jurich & Mong
13. Fishman & May
14. Canoa & O Leary
15. Hall, J. H., & Fincham, F. D
16. Jacobson, N. S.

1. Baumeister, R.F. & Leary, M.R.

2. Reis, H.T., Collins, W.A. & Berscheid, E.

3. Hamburg, M.E., & Pronk, T.M.

4. Maner

5. Ueda

6. Betzig, L.

7. Negash

8. Marin, R.A., Christensen, A. & Atkins, D.C.

9. Eaves & Robertson-Smith

سوی بررسی عوامل و فرایندهای شناختی موثر بر روابط فرازناشویی را به خود گرفته‌اند، هرچند پژوهش‌ها در این زمینه بسیار اندک و محدود است (هامبورگ و پرانک، ۲۰۱۵؛ پرانک و همکاران، ۲۰۱۱).

یکی از عواملی که در رابطه فرازناشویی مورد توجه قرار گرفته است، خودکنترلی است. تمام زوجها در طی زندگی خود با تعارضات علاقمندی و اغوای گزینه‌های دیگر مواجه می‌شوند؛ که نیاز است زوجها در برابر این تکانه‌های مخرب مقاومت نشان دهند. در چنین شرایطی برای رفتار کردن به شیوه‌ای سازنده، نیاز است که فرد هم انگیزش و هم توانایی یک شریک ارتباطی خوب بودن را داشته باشد (فینکل و کمپبل^۱، ۲۰۰۱). پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که این عامل توانایی، در حیطه خودکنترلی قرار دارد (هامبورگ و پرانک، ۲۰۱۵). به عنوان مثال، هنگام برخورد با گزینه‌های جایگزین جذاب، افرادی با خودکنترلی بالا دشواری کمتری در وفادار ماندن گزارش می‌کنند (گالیوت^۲ و باومیستر، ۲۰۰۷)، رفتارهای دلربایی (عشوہ گری) کمتری به سمت گزینه‌های دیگر نشان می‌دهند (پرانک و همکاران، ۲۰۱۱) و علاقه کمتری به قرار ملاقات گذاشتن با دیگران جذاب ابراز می‌کنند (سیاروکو، ایچواریا و لیواندوسکی^۳، ۲۰۱۲). خودکنترلی به توانایی رها کردن لذت کوتاه مدت به منظور دنبال کردن اهداف و آرزوهای بلندمدت اشاره دارد (باومیستر و همکاران، ۱۹۹۴) از دیگر سو، کنترل اجرایی که با عنوان کنترل شناختی یا کارکردهای اجرایی نیز خوانده می‌شود اصطلاحی است که برای توصیف یک سری فرایندهای کنترل شناختی که با هم در جهت تنظیم و شکل دادن به رفتار به شیوه‌ای هدف‌محور به کار می‌روند، استفاده می‌شود (پرانک، ۲۰۱۱).

کنش‌های اجرایی اصطلاحی کلی است که به تمامی فرایندهای شناختی سطح بالا که در هدایت و کنترل رفتار نقش اساسی ایفا می‌کنند، اطلاق می‌شود (هیوز و گراهام^۴، ۲۰۰۰). فرایندهای شناختی که اغلب به عنوان جنبه‌های کلیدی کنترل اجرایی شناخته می‌شوند، شامل بازداری، تغییر تکلیف و به روز رسانی حافظه فعال است (میاک و همکاران، ۲۰۰۰؛ براکوسکی و همکاران، ۱۹۹۶ به نقل از پرانک، ۲۰۱۴). تمامی اینها شامل ظرفیت تمرکز توجه بر اطلاعات و فرایندهای مربوط و بازداری اطلاعات و فرایندهای نامربوط

است. این فرایندهای زیربنایی توجه و بازداری به افراد در رسیدن به اهدافشان در زندگی روزمره کمک می‌کنند. به عنوان مثال به افرادی که در رژیم هستند کمک می‌کنند که در مقابل تمایل خود به خوردن شیرینی جات و نوشابه مقاومت کنند (هافمن، گچوندنر، فرایس، وایرز و اسمیت^۵، ۲۰۰۸). اخیراً نشان داده شده است که کنترل اجرایی به افراد کمک می‌کند که در زندگی اجتماعی شان نیز موفق عمل کنند به عنوان مثال مانع از این می‌شود که افراد زمانیکه برانگیخته‌اند به شیوه‌ای پرخاشگرانه پاسخ دهند (هافمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ ویلکوسکی^۶ و همکاران، ۲۰۱۰)، بخشش را در روابط نزدیک تسهیل می‌کند (پرانک، ۲۰۱۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کنترل شناختی به افراد کمک می‌کند تا تمایلشان به پاسخ دادن به شیوه‌ای تکانشی و مبتنی بر نفع شخصی را بازداری کرده و در عوض پاسخ‌های محافظت کننده ارتباط را تسهیل می‌کند (پرانک، ۲۰۱۴). فینکل و کمپل (۲۰۰۱) نخستین بار نشان دادند که توانایی افراد در سازگاری با رفتار بد همسرشان به ظرفیت‌های شناختی شان بستگی دارد. همچنین در چندین پژوهش کنترل اجرایی با بخشش (بالیست و جویرمن، ۲۰۱۱؛ بارت و دیویسون، فینکل و وان تونگرن، ۲۰۱۴؛ پرانک، کارمانز، اوربیک و ورمالست، ۲۰۱۰)، توانایی خودداری از پرخاشگری در مقابل خشونت پارتتر (دنسون، دیوال و فینکل؛ ۲۰۱۲؛ فینکل، دیوال، سلوتر و اواتن، ۲۰۰۹)، روی گردانی از جایگزین جذاب (ریتر و کارمانز و وان اسجی، ۲۰۱۰) توانایی وفادار ماندن (سیاروکو و همکاران، ۲۰۱۲؛ پرانک، کارمانز و ویکبولداس، ۲۰۱۱)، توانایی درگیر شدن در اشکال مختلف فداکاری (فایندلی، کاروالو و بارتاک، ۲۰۱۴؛ پرانک و کارمانز، ۲۰۱۴) مرتبط شناخته شده است.

براساس آنچه گفته شد پژوهش‌های مختلف سه حیطه اصلی از کارکردهای اجرایی شامل بازداری، حافظه فعال، انعطاف پذیری را در رابطه با روابط فرازناشویی و توجه به دیگران جذاب مورد مطالعه قرار داده‌اند و بر نقش آن در روابط فرازناشویی صحنه گذاشته‌اند (هامبورگ و پرانک، ۲۰۱۵؛ پرانک و همکاران، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان داده‌اند این سه حیطه که دارای مکانیزم‌های متمایزی هستند، برای خود کنترلی موفق لازمند (ولف و همکاران، ۲۰۱۶). در موقعیت‌هایی که اهداف مهم‌تر در تعارض با خواسته‌های

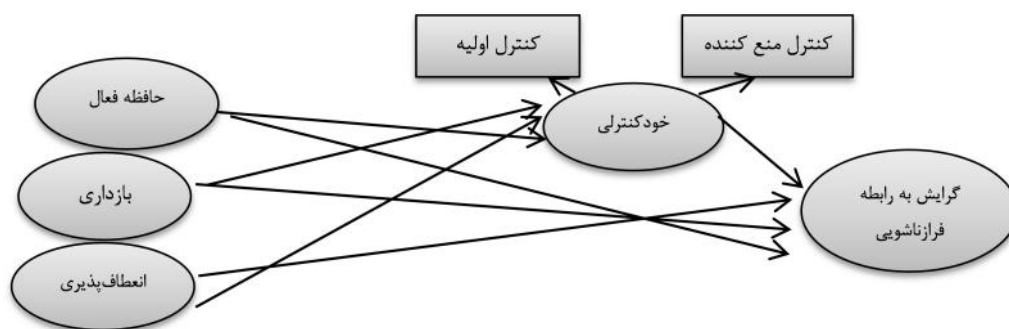
5. Hofmann, W., Gschwendner, T., Friese, M., Wiers, R. W. & Schmitt, M.
6. Wilkowski, B. M.

1. Finkel, E.J. & Campbell, W. K.

2. Gailliot, M.T.

3. Ciarocco, N. J., Echevarria, J. & Lewandowski, G. W.

4. Hughes & Graham



شکل ۱- مدل مفهومی اولیه پژوهش

(۱۳۹۰) معتقدند حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ نامناسب و حجم های بالاتر از ۲۰۰ مطلوب است. برای سازگاری با الگوی معادلات ساختاری تعداد نمونه باید حداقل ۱۵ برابر متغیرهای مشاهده شده باشد (استیونس، ۱۹۹۴، به نقل از هومن، ۱۳۹۳). در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده شده و تخصیص ضریب ۱۵ برای هر متغیر و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص ۲۱۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد.

ابزارهای پژوهش

آزمون کامپیوتری دسته بندی کارت‌های ویسکانسین (WCST): آزمون دسته بندی کارت‌های ویسکانسین، اولین بار توسط گرانت و برگ (۱۹۸۴) تهیه شده است (لزاک، ۲۰۰۴). کاوالارو، کاوندین، میسترنا، باسی (۲۰۰۳) بیان می کنند این آزمون توانایی انتزاع و تغییر راهبردهای شناختی را در پاسخ به تغییر بازخوردهای محیطی ارزیابی می کند و مستلزم برنامه ریزی، جستجوی سازمان یافته و توانایی استفاده از بازخورد محیطی برای تغییر آمایه‌ی شناختی است. بر اساس کار گلدبرگ و وینبرگ (۱۹۹۸) این آزمون به عنوان یکی از حساس ترین آزمون های مربوط به قشر جلوی پیشانی و پشتی-جانبی در نظر گرفته می شود. روایی این آزمون برای نقایص شناختی به دنبال آسیب های مغزی بالای ۰/۸۶ و پایایی آن در نمونه ایرانی با روش بازآزمایی ۰/۸۵ و پایایی بین ارزیاب این آزمون در حد عالی و بالای ۰/۸۳ گزارش شده است (مرادی، جباری، میرآقایی و پرهون، ۱۳۹۰). در این پژوهش از نسخه کامپیوتری آزمون دسته بندی کارت‌های ویسکانسین (WCST) استفاده شد. رایج ترین شاخص های اندازه گیری کارکردهای اجرایی شناختی، در آزمون ویسکانسین، تعداد طبقات درست شده توسط آزمودنی و میزان خطاهای تکراری است (استراس و همکاران، ۲۰۰۶). در این آزمون تعداد طبقات

فوری قرار می گیرند (به عنوان مثال: توجه یا ارتباط با فردی جذاب خارج از رابطه زناشویی با حفظ زندگی زناشویی و تعهد زناشویی در تعارض واقع می شود) به بازداری برای ممانعت از رفتارهای گرایشی خودکار به سمت محرک وسوسه برانگیز، به حافظه کاری برای تنظیم کردن عاطفه از طریق کنترل توجه و به انعطاف پذیری برای مدیریت چندین هدف همزمان نیاز است. لذا هدف پژوهش حاضر با توجه به نقشی که کارکردهای اجرایی و خودکنترلی در روابط فرازناشویی دارند و با توجه به اینکه پژوهش هایی که به بررسی نقش این متغیرها در قالب یک مدل و شبکه ای از روابط به طور همزمان بپردازد، وجود ندارد، تدوین و آزمون مدل ساختاری کارکردهای اجرایی و روابط فرازناشویی با بررسی نقش میانجی خودکنترلی می باشد.

روش

طرح پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. برای پژوهش حاضر چند تحلیل ابتدایی برای به دست آوردن بینش اولیه نسبت به داده ها (میانگین، انحراف معیار و همبستگی های ساده) انجام شد، سپس تحلیل مدل به روش مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزارهای AMOS (ویراست ۲۱) و SPSS انجام شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه پژوهش کلیه زنان و مردان متأهل شهر بوشهر می باشند. گروه نمونه به روش در دسترس و بنا بر رضایت افراد در شرکت در پژوهش انتخاب شدند. مدل سازی معادلات ساختاری، روش های برآورد حجم نمونه متفاوتی را معرفی می نماید، در زمینه برآورد بهینه برای مطالعات مربوط به مدل یابی معادله ساختاری نظرات متفاوتی وجود دارد از جمله کلاین (۲۰۱۰) و لوهلین (۲۰۰۴) به نقل از قاسمی

تکمیل شده به ده کارتی که به صورت متوالی و درست بر اساس معیار مورد نظر انتخاب می شود، اشاره دارد که حداکثر شش طبقه است. خطاهای تکراری شامل تعداد خطاهایی است که پس از در نظر گرفتن قاعده جدید و دریافت بازخورد، از آزمودنی سر می زند.

آزمون کامپیوتری تکلیف چند محرک پیشین (N-back): این آزمون یک آزمون سنجش عملکرد شناختی مرتبط با کنش های اجرایی است که نخستین بار در سال ۱۹۸۵ توسط کرچنر^۱ معرفی شد. ضرایب اعتبار بین ۰/۵۴ تا ۰/۸۴ اعتبار بالای این آزمون را نشان می دهد و اعتبار آن به عنوان شاخص عملکرد حافظه کاری بسیار قابل قبول است. این آزمون امروزه به صورت گسترده ای در مطالعات و مداخلات عصب-روانشناختی مورد استفاده قرار می گیرد. از آن جا که این آزمون هم نگهداری اطلاعات شناختی و هم دست کاری آنها را شامل می شود، ابزاری مناسب در سنجش حافظه کاری به شمار می رود و یکی از پر کاربردترین ابزارهای نایسته به فرهنگ است (کین^۲، کونوی^۳، میورا^۴ و کلفلیش^۵، ۲۰۰۷). نسخه فارسی این آزمون کامپیوتری تهیه شد. تکلیف کلی در آزمون یاد شده این است که اعداد ۱ تا ۹، به صورت تصادفی بر صفحه نمایش گر ظاهر می شوند. آزمودنی ها باید هر عدد را با عدد ماقبل (یکی به عقب)، دو عدد قبل تر (دوتا به عقب)، یا سه عدد قبل تر (سه تا به عقب) مقایسه کنند و مشخص نمایند که آیا دو عدد یکسان هستند یا خیر. انجام این تکلیف مستلزم فعال نگه داشتن آیتم ها در حافظه کاری به منظور مقایسه است. در این مطالعه از تکلیف یکی به عقب استفاده شد و از آزمودنی ها خواسته شد تا هر عدد را با عدد ماقبل آن مقایسه کنند و اگر این دو عدد یکسان بودند کلید راست و اگر غیر یکسان بودند، کلید چپ را بفشارند. تعداد پاسخ های درست و زمان واکنش کلی هر آزمودنی توسط سیستم ثبت شد.

آزمون استروپ کلاسیک: آزمون استروپ که یکی از پرکاربردترین آزمون های توجه انتخابی یا توجه متمرکز و بازداری پاسخ است (چان، چن و لائو، ۲۰۰۶) یک مدل آزمایشگاهی و به عنوان یک آزمون پایه برای عملکرد قطعه ی پیشانی مغز می باشد. تکلیف کلاسیک یا اصلی استروپ

به عنوان وسیله ای برای مطالعه سوگیری توجه و پردازش اطلاعات در سال ۱۹۳۵ توسط استروپ ساخته شد (دابسون، دازویس^۶، ۲۰۰۴). در مدل های کامپیوتری آزمون، کلمه های همخوان (رنگ کلمه با معنای کلمه یکسان است) و کلمه های ناهمخوان (رنگ کلمه با معنای کلمه یکسان نیست) به صورت تصادفی در یک زمان مشخص به فرد ارائه می شود و زمان واکنش (RT) فرد در پاسخدهی، تعداد پاسخهای صحیح و غلط فرد و همچنین نمره تداخل او به صورت دقیق محاسبه می شود. اثر تداخل باعث می شود سرعت عملکرد آزمودنی ها در نامیدن کلمه های ناهمخوان نسبت به کلمه های همخوان کاهش یابد. در این آزمون، آزمودنی ها باید به هر یک از ۴ کلمه رنگی براساس رنگ آن و بدون توجه به مفهوم کلمه، از طریق فشار دادن یکی از ۴ کلید تعیین شده پاسخ دهند. در پژوهش حاضر، آزمون استروپ به صورت رایانه ای و با استفاده از نرم افزار ۴ Super Lab ساخته شد. این آزمون نرم افزاری در پژوهش حاضر معرف بازداری در نظر گرفته شده است. از این مقیاس برای سنجش بازداری شناختی در برخی مطالعات استفاده شده است (میردورقی و همکاران، ۱۳۹۱؛ مرادیان و همکاران، ۱۳۹۳؛ صالحی فدردی و ضیایی، ۱۳۸۹). پایایی آزمون استروپ، بر اساس پژوهش لزاک (۲۰۰۴) به روش باز آزمایی در دامنه ای بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۱ گزارش شده است.

آزمون برو نرو: آزمون "برو/نرو" که به طور وسیعی برای اندازه گیری بازداری استفاده می شود. شامل دو دسته محرک است. آزمودنی ها باید به دسته ای از این محرک ها پاسخ دهند (go) و از پاسخدهی به دسته دیگر خودداری کنند. از آنجایی که تعداد محرک های go معمولاً بیشتر از محرک های no go است، آمادگی برای ارایه پاسخ در فرد بیشتر است. عدم بازداری مناسب یا خطای ارتکاب به معنی انجام پاسخ حرکتی در هنگام ارایه محرک غیرهدف است. از این آزمون، ۳ نمره جداگانه به دست می آید: درصد خطای ارتکاب، درصد بازداری نامناسب و زمان واکنش. در مطالعه قدیری و همکاران (۲۰۰۶) به نقل از میردورقی و همکاران، (۱۳۹۱) پایایی این آزمون ۸۷/۰ گزارش شده است. در این پژوهش، این آزمون به صورت رایانه ای و با استفاده از نرم افزار ۴ Super Lab ساخته شد. در این آزمون، محرک go به شکل هندسی مثلث بود که در بین دیگر اشکال هندسی (no go) در وسط صفحه مانیتور

1. Kirchner
2. Kane
3. Conway
4. Miura
5. Colflesh

⁶. Dozoies
⁷. Go no go

وقت شد. برای ترغیب افرادی که در پژوهش شرکت می‌کردند، امتیازاتی چون: شرکت در کارگاه آموزشی (به انتخاب خود از میان ۳ کارگاه) و هدیه نقدی به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان به قید قرعه برای دو نفر استفاده شد و در پایان برای شرکت‌کنندگانی که از راه دور می‌آمدند، کارت شارژ نیز اهدا شد. یکی از داوطلبین به علت کوررنگی از مطالعه حذف شد.

پس از حضور شرکت‌کننده در مکان مورد نظر، پس از احساس راحتی درمورد محیط، در مورد نحوه اجرای کار به او توضیحات لازم داده می‌شد، سپس آزمون‌های کامپیوتری تک‌نک اجرا می‌شد. قبل از اجرای هر آزمون به آزمودنی آموزش‌های لازم داده می‌شد و بخش تمرین صورت گرفته و به سوالات آزمودنی پاسخ داده می‌شد و سپس برای جلوگیری از حواسپرتی آزمودنی، آزمونگر اتاق را ترک کرده و پس از اتمام هر آزمون دوباره وارد اتاق شده و در پایان هر آزمون کامپیوتری چند دقیقه ای استراحت داده می‌شد و پس از اطمینان از عدم خستگی مراجع این فرایند برای آزمون بعدی تکرار می‌گردید و به همین شیوه ۴ آزمون کامپیوتری اجرا شده و پس از اتمام کار کامپیوتری پذیرایی ساده‌ای صورت می‌گرفت و سپس آزمودنی پرسشنامه‌ها را پر می‌کرد. فرایند کار برای هر آزمودنی حدود ۴۵ دقیقه تا یکساعت زمان به خود اختصاص می‌داد.

یافته‌ها

در ابتدا با بررسی پیش فرض‌های آماری با استفاده از آزمون‌های، کشیدگی و چولگی، جعبه‌ای، کولموگروف-اسمیرنوف داده‌های پرت شناسایی، سپس با استفاده از آزمون ماهالانویس داده‌های پرت حذف گردید، همچنین پس از بررسی نرمالی داده‌ها مدل اندازه‌گیری دو متغیر پژوهش بررسی و تایید گردید، همچنین نتایج میانگین واریانس‌های استخراجی (AVE) نشان می‌دهد تمامی خرده مقیاس‌های خودکنترلی و گرایش به روابط خارج از ازدواج در مدل اندازه‌گیری مقادیر بدست آمده‌ی آن از حد معیار ۰/۵ بزرگ‌تر می‌باشد که نشان دهنده‌ی روایی از نوع همگرا است، همچنین پایایی مرکب (پایایی سازه) نشان دهنده‌ی آن است که مقادیر بدست آمده از مولفه‌ها از حد معیار ۰/۰۷ بیشتر می‌باشد و بنابراین موضوع AVE و CR پرسشنامه‌ها تایید می‌گردد. همچنین پایایی به آمده به روش تتا ترتیبی خودکنترلی (۰/۷۶۲)، کنترل منع‌کننده (۰/۷۰۹)، کنترل اولیه (۰/۸۲۶) و گرایش به رابطه فرازناشویی (۰/۶۳۱) بدست آمده است.

۱۶ اینچ در فاصله ۶۰ سانتیمتری از چشم آزمودنی به مدت ۵۰۰ میلی‌ثانیه ارایه می‌شد و آزمودنی باید پس از رویت آن، هرچه سریعتر با فشار دادن دکمه space روی صفحه کلید به آن پاسخ میداد و در صورت مشاهده دیگر اشکال هندسی نباید پاسخ می‌داد. در ابتدا چند کوشش به صورت تمرینی ارایه شد تا آزمودنی نسبت به آزمون و جایابی کلید پاسخ کاملاً آشنا شود و سپس ۱۰۰ کوشش اصلی ارایه شد که ۷۰ مورد از آنها محرک go بود تا بتواند پاسخ نیرومندی را ایجاد کند. کلیه پاسخ‌ها و زمان واکنش آزمودنی‌ها ثبت شد.

پرسشنامه گرایش به روابط فرازناشویی: این مقیاس توسط واتلی^۱ (۲۰۰۸) طراحی شد. این پرسشنامه افکار فرد نسبت به مقوله روابط فرازناشویی را موردبررسی قرار می‌دهد و ۱۲ آیتم دارد. واتلی ثبات درونی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آورد.

پرسشنامه خودکنترلی تانجی: تانجی، باومیستر و مون (۲۰۰۴) با انجام پژوهشی که به بررسی رابطه و اثر گذاری خودکنترلی بالا با موفقیت‌های بین فردی پرداختند، مشخصات روانسنجی این پرسشنامه را نیز بر اساس نمونه پژوهش خود گزارش کردند که در اینجا ما نیز به آن اشاره می‌کنیم: در برآورد همسانی درونی، پایایی آزمون بالا گزارش شده است بدین گونه که: آلفا برای مقیاس خودکنترلی فرم بلند ۳۶ آیتمی در دو نمونه پژوهش تانجی و همکاران (۲۰۰۴) ۰/۸۹ بود و همچنین برای مقیاس خودکنترلی فرم کوتاه-۱۳ آیتمی نیز به نتایج مشابه دست یافتند (آلفا= به ترتیب در دو نمونه پژوهش آنها ۰/۸۳ و ۰/۸۵)؛ بنابراین پرسشنامه‌های مورد نظر همسانی درونی مناسبی را دارا می‌باشد.

روش اجرای پژوهش

روش اجرای کار بدین صورت بود که از طریق فراخوان گروه‌های مجازی، آگهی‌های چاپی، تماس تلفنی و مراجعه حضوری به مکان‌هایی که احتمال دسترسی به مراجعین وجود داشت مانند آژانس‌های املاک و...، تعداد ۲۱۰ آزمودنی متاهل داوطلب شرکت در مطالعه شدند. فرایند اجرای کار و مدت زمان لازم از قبل برای برای تک‌تک شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و برای هریک با هماهنگی خودشان برای حضور در محیطی که از لحاظ آزمایشگاهی شرایط پژوهش را داشت (اتاقی در مرکز مشاوره دارای میز و صندلی راحت و تجهیز شده به کامپیوتر و به دور از عوامل حواسپرتی) تعیین

¹. Whatley

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین خودکنترلی و کارکردهای اجرایی با گرایش به روابط خارج از ازدواج

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
خود کنترلی	۴۵/۹۵	۶/۳۵	۱				
کنترل منع کننده	۲۱/۸۲	۳/۴۱	۰/۸۳**	۱			
کنترل اولیه	۱۴/۵	۲/۹۴	۰/۸۵**	۰/۵۶**	۱		
گرایش به رابطه فرازناشویی	۲۵/۰۳	۱۱/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۰۲	۱	
خطای ارتکاب	۲/۲	۳/۰۷	۰/۱۱*	۰/۱۰*	۰/۰۶	۰/۱۳*	۱
تداخل	۸۱/۰۱	۶۵/۷۲	۰/۱۱*	۰/۰۲	۰/۱۷**	۰/۲۵**	۰/۰۲
تعداد پاسخ های درست	۱۰۰/۱۱	۲۵/۱۸	۰/۰۰۲	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۷
میانگین زمان واکنش	۵۹۷	۱۴۸	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۱۴*
تعداد طبقات تکمیل شده	۴/۳۴	۱/۸۳	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۱۱*	۰/۱۵*
تعداد خطای درجاماندگی	۴/۳۷	۴	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۱۲*	۰/۱۲*
تعداد پاسخ سطح مفهومی	۴/۸۶	۲/۲۵	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۰۸
تعداد کوشش ها	۱۹/۲۲	۹/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۲
تعداد کوشش انتخاب الگو	۱۰/۳۴	۹/۵۵	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۱۹**
سایر خطاها	۵۵/۷۴	۵/۷۷	۰/۰۴	۰/۱۰*	۰/۰۶	۰/۲۵**	۰/۰۷

متغیر	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
خود کنترلی								
کنترل منع کننده								
کنترل اولیه								
گرایش به رابطه فرازناشویی								
خطای ارتکاب								
تداخل	۱							
تعداد پاسخ های درست	۰/۰۹	۱						
میانگین زمان واکنش	۰/۱۲*	۰/۰۵	۱					
تعداد طبقات تکمیل شده	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۶**	۱				
تعداد خطای درجاماندگی	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۸۵**	۰/۶۷**	۱			
تعداد پاسخ سطح مفهومی	۰/۱۱*	۰/۰۱	۰/۸۸**	۰/۷۲**	۰/۷۲**	۱		
تعداد کوشش ها	۰/۱۳*	۰/۰۳	۰/۶۸**	۰/۵۹**	۰/۳۸**	۰/۷۸**	۱	
تعداد کوشش انتخاب الگو	۰/۵۱**	۰/۳۰**	۰/۵۱**	۰/۳۱**	۰/۲۳**	۰/۱۰*	۰/۱۱*	۱
سایر خطاها	۰/۰۸	۰/۲۱**	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۱۱*	۰/۱۲*

* در سطح ۰/۰۱ معنی داری است. N = ۲۰۱

همان گونه که مشاهده می گردد، مسیرهای غیر مستقیم در نظر گرفته شده با توجه به مقادیر استاندارد شده ()، به دست آمده، مسیرهای غیر مستقیم، حافظه فعال، انعطاف پذیری و بازداری با توجه به روش برآورد بوت استرپ مورد تایید واقع گردید.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین و آزمون مدلی برای تبیین گرایش به روابط فرازناشویی انجام شد و روابط کارکردهای اجرایی با گرایش به روابط فرازناشویی با میانجیگری خودکنترلی مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل مدل با روش معادلات ساختاری نشان داد پس از چهارمرحله اصلاح روی

نتایج مندرج در جدول ۱: همبستگی بین خودکنترلی و کارکردهای اجرایی با گرایش به روابط خارج از ازدواج نشان داده می شود.

مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۵۸ می باشد لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان دهنده این است که میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب است و مدل قابل قبول می باشد. همچنین مقدار کای دو به درجه آزادی (۲/۹۸) بین ۱ و ۳ می باشد و میزان شاخص شاخص تطبیقی، مقتصد و مطلق نیز تقریباً برابر و بزرگتر از ۰/۹ می باشد که نشان می دهند مدل اندازه گیری متغیرهای پژوهش، مدلی، مناسب است.

با توجه به جدول ۳، مسیرهای، خودکنترلی و کارکردهای اجرایی اثر مستقیم بر گرایش به رابطه فرازناشویی دارا هستند.

جدول ۲- شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها پس از چهار مرحله اصلاح

نام آزمون	توضیحات	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده قبل از تصحیح	مقدار به دست آمده پس از تصحیح
χ^2/df	کای اسکوتر نسبی	< ۳	۴/۷۸	۲/۹۸
RMSEA	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	< ۰/۱	۰/۰۷۹	۰/۰۵۸
GFI	شاخص برازندگی تعدیل یافته	> ۰/۹	۰/۸۲۴	۰/۹۷۷
NFI	شاخص برازش نرم	> ۰/۹	۰/۸۶۴	۰/۹۴۸
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	> ۰/۹	۰/۸۲۴	۰/۹۵۱
AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	> ۰/۹	۰/۸۷۶	۰/۹۶۴
TLI	شاخص برازش تطبیقی	> ۰/۹	۰/۸۹۳	۰/۹۳۶
RFI	شاخص برازش نسبی	> ۰/۹	۰/۹۱۰	۰/۹۴۰
PNFI	شاخص برازش هنجار شده	۰/۵	۰/۵۰۱	۰/۵۳۷
DF	-	-	۶۸	۶۴

جدول ۳- برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی (ML)

متغیر	B	β	R^2
خودکنترلی بر گرایش به رابطه فرازناشویی	-۰/۱۲	-۰/۱۰	۰/۰۱۲
حافظه فعال بر گرایش به رابطه فرازناشویی	-۰/۱۱	-۰/۱۶	۰/۰۱۷
بازداری بر گرایش به رابطه فرازناشویی	-۰/۶۶	-۰/۱۳	۰/۰۸۵
انعطاف‌پذیری بر گرایش به رابطه فرازناشویی	-۰/۱۱	-۰/۱۳	۰/۰۱۴

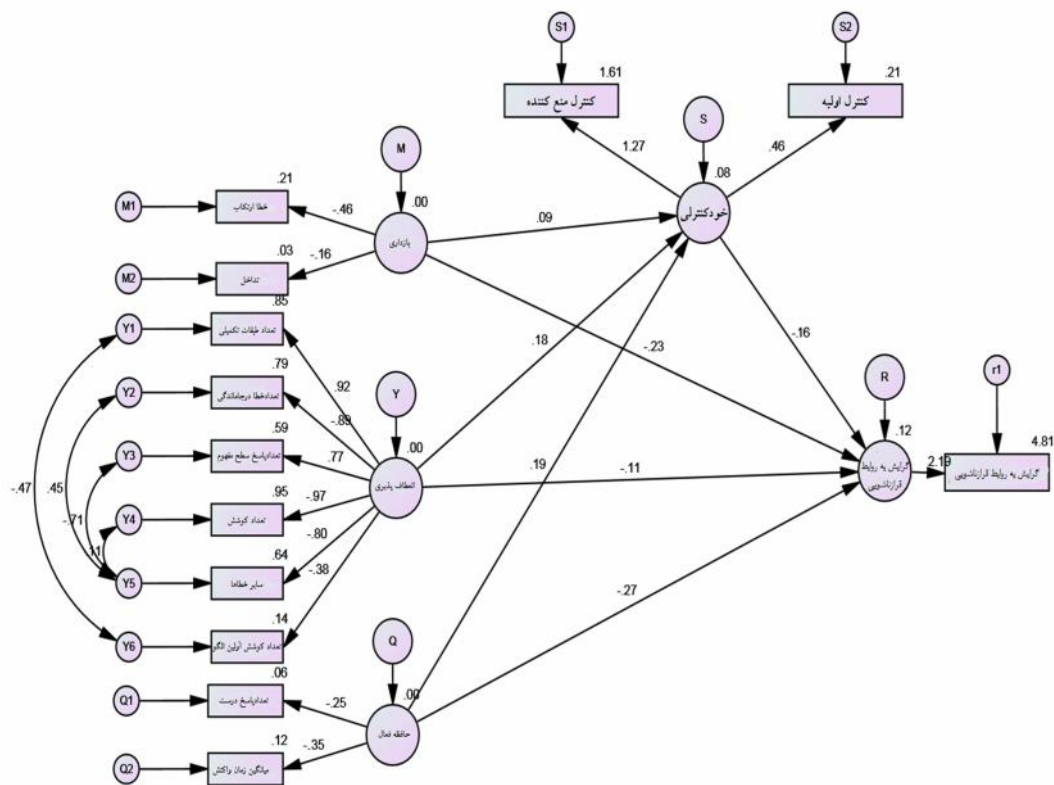
جدول ۴- برآورد مستقیم مدل با استفاده از روش بوت استرپ^۱

متغیر	B	حد پایین	حد بالا	معناداری
حافظه فعال بر گرایش به رابطه فرازناشویی با میانجی‌گری خودکنترلی	-۰/۲۷	-۰/۰۴	۰/۲۹	۰/۰۰۳
انعطاف‌پذیری بر گرایش به رابطه فرازناشویی با میانجی‌گری خودکنترلی	-۰/۱۱	-۰/۰۵	۰/۱۶	۰/۰۰۴
بازداری بر گرایش به رابطه فرازناشویی با میانجی‌گری خودکنترلی	-۰/۲۳	-۰/۰۱۷	۰/۲۷	۰/۰۰۱

می‌روند و در هدایت و کنترل رفتار نقش مهمی بازی می‌کنند (پرانک، ۲۰۱۱، هیوز^۱ و گراهام^۲، ۲۰۰۰). یکی از اهداف اساسی در هر رابطه زناشویی حفظ ارتباط است. در هر زندگی زناشویی مواجهه با تکنه‌های مخرب که ارتباط را تخریب با حتی به نابودی می‌کشاند گریزناپذیر است. در واقع تعارض بخشی از زندگی زناشویی است. تعارض در زندگی زناشویی هر موقعیتی که نیازهای یک همسر با نیازهای همسر دیگر همپوشی ندارد، در نظر گرفته می‌شود و شامل تعارضات بین‌فردی، جایگزین‌های جذاب و علایق متفاوت می‌شود. راسبوت و وان لانج (۲۰۰۳) مدلی در مورد فرایندهای تغییر شکل رفتار ارائه دادند که بر اساس آن وقتی تعارضات ایجاد می‌شود، افراد در ابتدا و به طور خودکار تمایل به رفتارهایی در راستای تکنه‌های هیجانی‌شان (پاسخ‌های تکانشی) نشان می‌دهند، اما اینکه آیا آنها بر اساس این تمایلاتشان عمل می‌کنند یا نه به دو عامل تعدیل‌کننده

مدل اولیه برازش مناسبی برای مدل پیشنهادی حاصل گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد کارکردهای اجرایی شامل بازداری، انعطاف‌پذیری و حافظه فعال به طور مستقیم و نیز به طور غیرمستقیم با میانجی‌گری خودکنترلی با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه دارد، کارکردهای اجرایی روابط فرازناشویی را پیش‌بینی کرده و هرچه کارکردهای اجرایی ضعیف‌تر باشد، گرایش به رابطه فرازناشویی بیشتر است. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های یودا و همکاران، (۲۰۱۷)، هامبورگ و پرانک، (۲۰۱۵)؛ پرانک و همکاران، (۲۰۱۱) می‌باشد. همچنین سیاروکو و همکاران، (۲۰۱۲)؛ پرانک، کارمانز و ویکبولداس، (۲۰۱۱) نشان دادند که کنترل اجرایی با توانایی وفادار ماندن در زندگی زناشویی ارتباط دارد. ریتز و کارمانز و وان اسجی، (۲۰۱۰) نیز روی گردانی از جایگزین جذاب را با سطوح بالاتر کنترل اجرایی مرتبط دانستند. در تبیین این یافته می‌توان اینطور بیان کرد: کارکردهای اجرایی شامل یک سری فرایندهای کنترل شناختی است که با هم در جهت تنظیم کردن و شکل دادن به رفتار مبتنی بر اهداف به کار

¹. Hughes
². Graham



نمودار ۱- مدل نهایی آزمون شده به همراه آماره های پیش بینی استاندارد شده

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که خودکنترلی هم اثر مستقیم بر گرایش به روابط فرازناشویی دارد و هم نقشی واسطه ای میان کارکردهای اجرایی و گرایش به روابط فرازناشویی دارد؛ یعنی هرچه خودکنترلی در فرد بالاتر باشد گرایش به رابطه فرازناشویی کمتر است. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های گایلیوت و باومیستر (۲۰۰۷)، پرانک و همکاران (۲۰۱۱) سیاروکو و همکاران (۲۰۱۲) است، بطوریکه افرادی با خودکنترلی بالا هنگام برخورد با گزینه های جایگزین جذاب، دشواری کمتری در وفادار ماندن گزارش می کنند (گایلیوت^۱ و باومیستر، ۲۰۰۷)، رفتارهای دلربایی (عشوه گری) کمتری به سمت گزینه های دیگر نشان می دهند (پرانک و همکاران، ۲۰۱۱) و علاقه کمتری به قرار ملاقات گذاشتن با دیگران جذاب ابراز می کنند (سیاروکو و همکاران، ۲۰۱۲). در پژوهشی گایلیوت و باومیستر (۲۰۰۷) نشان دادند که خودکنترلی مزاجی پایین با تمایل قوی تر به رابطه جنسی غیرمتعهدانه ارتباط دارد. ویل، گراد، موری و برادی (۲۰۰۳) نیز نشان دادند خودکنترلی پایین با نگرش منفی تر نسبت به خودداری جنسی ارتباط دارد (به نقل از مسلتیر^۲، بارلو^۱ و

بستگی دارد: انگیزش و توانایی. این عامل توانایی به کارکردهای اجرایی مربوط می شود؛ یعنی زمانی افراد می توانند رفتار تکانشی شان را تغییر دهند که هم انگیزه داشته باشند و هم توانا باشند و این توانایی بدان معناست که دارای سطوح بالای کنترل اجرایی باشند. در این صورت آنها پاسخ تکانشی خود را به پاسخی که در راستای اهداف فراگیر و بلند مدت شان است تغییر شکل می دهند (پرانک، ۲۰۱۴). در حیطه روابط زناشویی نیز می توان اینطور بیان کرد که کنترل اجرایی تغییر شکل انگیزش را پی ریزی می کند که به موجب آن افراد از تکانه های نفع شخصی (که می تواند توجه یا ارتباط با فردی خارج از ازدواج باشد) دور می شوند و در عوض به نفع ارتباط یا همسر خود پاسخ می دهند. در واقع زمانیکه توجه یا ارتباط با فردی جذاب خارج از رابطه زناشویی با حفظ زندگی زناشویی و تعهد زناشویی در تعارض واقع می شود، بازداری از رفتارهای گرایشی خودکار به سمت محرک وسوسه برانگیز جلوگیری می کند، حافظه کاری از طریق کنترل توجه عاطفه را تنظیم می کند و انعطاف پذیری به فرد برای مدیریت چندین هدف همزمان کمک می کند و همه این موارد به خودکنترلی موفق کمک می کند که متغیر دیگری است که در این مطالعه به آن پرداخته شد.

¹. Gailliot, M.T.

². McIntyre

هاوارد^۲، ۲۰۱۴).

پژوهش‌هایی آزمایشی طراحی شده که آنرا به صورت رفتاری بسنجند. همچنین پژوهش‌های آینده می‌توانند به نقش فرایندهای خودکار در مقابل فرایندهای خودکنترلی در توجه و ارزیابی دیگران جذاب و ورود به رابطه فرازناشویی بپردازند و نیز از آنجاکه خودکنترلی در ترکیب با عوامل دیگر بر رفتار تاثیرگذار است، پیشنهاد می‌شود سهم عوامل دیگر از جمله عوامل انگیزشی مانند تعهد یا کیفیت ارتباط بر گرایش به رابطه خارج از ازدواج یا پاسخ به دیگران جذاب سنجیده شود.

منابع

Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2005). Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 12(2), 101-130.

Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of family psychology*, 15(4), 735.

Balliet, D., & Pronk, T. M. (2013). Personality, self-control, and welfare-tradeoff ratios in revenge and forgiveness. *Behavioral and Brain Sciences*, 36(1), 16-17.

Baumeister, R. F., Vohs, K. D., & Tice, D. M. (2007). The strength model of self-control. *Current directions in psychological science*, 16(6), 351-355.

Brown, E. M. (2001). *Patterns of Infidelity and Their Treatment*: Taylor & Francis.

Buss, D. M., & Schmitt, D. P. (1993). Sexual strategies theory: an evolutionary perspective on human mating. *Psychological review*, 100(2), 204.

Ciarocco, N. J., Echevarria, J., & Lewandowski Jr, G. W. (2012). Hungry for love: The influence of self-regulation on infidelity. *The Journal of social psychology*, 152(1), 61-74.

Eaves, S. H., & Robertson-Smith, M. (2007). The relationship between self-worth and marital infidelity: A pilot study. *The Family Journal*, 15(4), 382-386.

Fenwick, M. E., Kubas, H. A., Witzke, J. W., Fitzer, K. R., Miller, D. C., Maricle, D. E., . . . Hale, J. B. (2016). Neuropsychological profiles of written expression learning disabilities determined by concordance-discordance model criteria. *Applied Neuropsychology: Child*, 5(2), 83-96.

Finkel, E. J., & Campbell, W. K. (2001). Self-control and accommodation in close relationships: an interdependence analysis. *Journal of personality and social psychology*, 81(2), 263.

Fricker, J., & Moore, S. (2006). *Predicting infidelity: The role of attachment styles, lovestyles, and the Investment Model*: Swinburne University of

در تبیین این یافته می‌توان گفت خودکنترلی هسته مرکزی خود و کلید اساسی موفقیت در زندگی است. اراده که نیز که یکی از ویژگی‌های منحصر به انسان است، ارتباط نزدیکی با خودکنترلی دارد. خودکنترلی به توانایی رها کردن لذت کوتاه مدت به منظور دنبال کردن اهداف و آرزوهای بلندمدت اشاره دارد (باومیستر و همکاران، ۱۹۹۴). هسته مرکزی خودکنترلی توانایی در بازداری تکانه‌ها است. ادبیات خودکنترلی مملو است از شواهدی که خودکنترلی ضعیف منجر به رفتار بازداری نشده و تکانشی می‌شود به طوریکه خودکنترلی ضعیف با مشکلات رفتاری و کنترل تکانه مانند خشونت، ولخرجی، رفتار تکانشی جنسی، بازداری ناخواسته و مشکلات ارتباطی و جدایی مربوط است (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش مارک، جانسن و میلهاوسن^۳ (۲۰۰۲) نشان داد که مردان و زنانی که نمره کمتری در کنترل تکانه کسب می‌کنند و میزان بازداری کمتری دارند به احتمال بیشتر درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند. شواهد بسیاری وجود دارد که خودکنترلی توانایی بازداری تکانه‌های خودخواهانه و درعوض رفتار کردن به شیوه‌ای که به نفع ارتباط است را ایجاد می‌کند (کارمنس و همکاران، ۲۰۱۵؛ پرانک و رگیتی، ۲۰۱۵ به نقل از ویسرمن^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). در واقع خودکنترلی نوعی مدیریت بر خویشتن است که فرد با تقویت آن می‌تواند خواسته‌های آنی و امیالی که با اهداف درازمدت او در تعارضند را مهار کرده از انحراف و اشتباه دوری کند.

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که حیطه‌های اصلی کارکردهای اجرایی شامل بازداری، انعطاف‌پذیری و حافظه فعال و نیز متغیر خودکنترلی می‌توانند بخشی از واریانس گرایش به رابطه فرازناشویی را تبیین کنند و مدل مفهومی اولیه پژوهش مبنی بر اثر کارکردهای اجرایی با نقش میانجی خودکنترلی بر گرایش به رابطه فرازناشویی تایید گردید. این نتایج می‌تواند هم کاربردهای آموزشی و درمانی داشته باشد و در پروتکل‌های درمانی و پیش‌گیری مورد توجه قرار گیرد هم می‌تواند راهگشای پژوهش‌های آینده باشد. در پژوهش حاضر گرایش به رابطه فرازناشویی با پرسشنامه و به صورت خودگزارشی سنجیده شد که احتمال خطا را افزایش می‌دهد، برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود

1. Barlow

2. Hayward

3. Mark, Janssen, & Milhausen

4. Visserman

Learning, Memory, and Cognition, 33(3), 615.

Loehlin, J. C. (2004). *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis*. Psychology Press.

Karremans, J. C., Pronk, T. M., & Wal, R. C. (2015). Executive control and relationship maintenance processes: An empirical overview and theoretical integration. *Social and Personality Psychology Compass*, 9(7), 333-347.

Marín, R. A., Christensen, A., & Atkins, D. C. (2014). Infidelity and behavioral couple therapy: Relationship outcomes over 5 years following therapy. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 3(1), 1.

Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, 40(5), 971-982.

Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, 40(5), 971-982.

McIntyre, J. C., Barlow, F. K., & Hayward, L. E. (2015). Stronger sexual desires only predict bold romantic intentions and reported infidelity when self-control is low. *Australian Journal of Psychology*, 67(3), 178-186.

Mirdoraghi, F., Ghanbary Hashemabady, B. A., Mashhad, A. (2012). Cognitive and behavioral inhibition in veterans with- and without post-traumatic stress disorder. *Iranian Journal of Military Medicine*. 14 (1), 41-47. [Persian].

Negash, S., Veldorale-Brogan, A., Kimber, S. B., & Fincham, F. D. (2016). Predictors of extradyadic sex among young adults in heterosexual dating relationships: a multivariate approach. *Sexual and Relationship Therapy*, 1-20.

Negash, S., Veldorale-Brogan, A., Kimber, S. B., & Fincham, F. D. (2016). Predictors of extradyadic sex among young adults in heterosexual dating relationships: a multivariate approach. *Sexual and Relationship Therapy*, 1-20.

Pronk, T. M., & Karremans, J. C. (2014). Does executive control relate to sacrificial behavior during conflicts of interests? *Personal Relationships*, 21(1), 168-175.

Pronk, T. M., Karremans, J. C., & Wigboldus, D. H. (2011). How can you resist? Executive control helps romantically involved individuals to stay faithful. *Journal of personality and social psychology*, 100(5), 827.

Pronk, T. M., & Righetti, F. (2015). How executive control promotes happy relationships and a well-balanced life. *Current Opinion in Psychology*, 1, 14-17.

Tangney, J., Baumeister, R., & Boone, A. (2004). High self-control predicts good adjustment, less

Technology Melbourne, Australia.

Gailliot, M. T., & Baumeister, R. F. (2007). Self-regulation and sexual restraint: Dispositionally and temporarily poor self-regulatory abilities contribute to failures at restraining sexual behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 33(2), 173-186.

Ghasemi, V. (2011). Optimal sample size estimation in structural equation models and its adequacy assessment for social researchers. *Iran Sociology*, 12(4), 138-161. [Persian].

Gordon, K. C. (2003). Forgiveness and marriage: Preliminary support for a measure based on a model of recovery from a marital betrayal. *American Journal of Family Therapy*, 31(3), 179-199.

Gordon, K. C., & Baucom, D. H. (1999). A forgiveness-based intervention for addressing extramarital affairs. *Clinical Psychology Science and Practice*, 6, 382-399.

Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2004). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*, 30(2), 213-231.

Graham, S. M., Negash, S., Lambert, N. M., & Fincham, F. D. (2016). Problem drinking and extradyadic sex in young adult romantic relationships. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 35(2), 152-170.

Hamburg, M. E., & Pronk, T. M. (2015). Believe you can and you will: The belief in high self-control decreases interest in attractive alternatives. *Journal of Experimental Social Psychology*, 56, 30-35.

Hertlein, K. M., Wetchler, J. L., & Piercy, F. P. (2005). Infidelity: an overview. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4(2-3), 5-16.

Hofmann, W., Gschwendner, T., Friese, M., Wiers, R. W., & Schmitt, M. (2008). Working memory capacity and self-regulatory behavior: toward an individual differences perspective on behavior determination by automatic versus controlled processes. *Journal of personality and social psychology*, 95(4), 962.

Hofmann, W., Schmeichel, B. J., & Baddeley, A. D. (2012). Executive functions and self-regulation. *Trends in cognitive sciences*, 16(3), 174-180.

Hooman, H. A., (2014). Structural equation modeling using Lisrel software. Tehran. Samt. First edition. [Persian].

Jeanfreau, M. M., Jurich, A. P., & Mong, M. D. (2014). An examination of potential attractions of women's marital infidelity. *The American Journal of Family Therapy*, 42(1), 14-28.

Jeanfreau, M. M., Jurich, A. P., & Mong, M. D. (2014). Risk factors associated with women's marital infidelity. *Contemporary Family Therapy*, 36(3), 327-332.

Kane, M. J., Conway, A. R., Miura, T. K., & Colflesh, G. J. (2007). Working memory, attention control, and the N-back task: a question of construct validity. *Journal of Experimental Psychology*:

pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of personality*, 72(2), 271-324.

Tangney, J. P., BOONE, A. L., & BAUMEISTER, R. F. (2018). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success *Self-Regulation and Self-Control* (pp. 181-220): Routledge.

Ueda, R., Yanagisawa, K., Ashida, H., & Abe, N. (2017). Implicit attitudes and executive control interact to regulate interest in extra-pair relationships. *Cognitive, Affective, & Behavioral Neuroscience*, 17(6), 1210-1220.

Ueda, R., Yanagisawa, K., Ashida, H., & Abe, N. (2018). Executive control and faithfulness: only long-term romantic relationships require prefrontal control. *Experimental brain research*, 1-8.

Wilkowski, B. M., Robinson, M. D., & Troop-Gordon, W. (2010). How does cognitive control reduce anger and aggression? The role of conflict monitoring and forgiveness processes. *Journal of personality and social psychology*, 98(5), 830.